125984 ـ چگونه شکر نعمت‌های پرشمار پروردگار را به جای بیاورم؟

سوال

بهترین کاری که انسان می‌تواند برای شکر نعمت‌های خداوند انجام دهد چیست؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا:

شکر یعنی: پاداش احسان و ثنای زیبا برای کسی که نیکی و احسان در حق دیگری انجام داده است و گرامی‌ترین کسی که مستحق شکر و ثنا از سوی بندگان است، همانا الله عزوجل است؛چرا که نعمت‌های والای او و منت‌های او بر دین و دنیای مردم بس بزرگ است و الله تعالی ما را به شکر این نعمت‌ها و عدم انکارش امر کرده و فرموده است:

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلا تَكْفُرُونِ [بقره: ۱۵۲]

(پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا شکر گویید و کفران [نعمتم] نکنید).

ثانیا:

والاترین کسانی که به بهترین شکل این امر را انجام داده‌اند و شکر او را به جای آورده‌اند تا آنکه مستحق وصف شاکر و شکور شده‌اند پیامبران و مرسلین علیهم السلام می‌باشند. الله متعال می‌فرماید:

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتاً لِلَّهِ حَنِيفاً وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۲۰) شَاكِراً لِأَنْعُمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ [نحل: ۱۲۰ ـ ۱۲۱]

(به‌راستی ابراهیم امتی بود مطیع الله [و] حق‌گرای و از مشرکان نبود (۱۲۰) نعمت‌های او را شکرگزار بود، [الله] او را برگزید و به راهی راست هدایتش کرد)

و می‌فرماید:

ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْداً شَكُوراً [اسراء: ۳]

([ای] فرزندان کسانی که [آنان را در کشتی] با نوح برداشتیم، به راستی او بنده‌ای سپاسگزار بود).

ثالثا:

الله متعال برخی از نعمت‌هایش را بر بندگان ذکر کرده و آنان را امر به شکر نموده است و ما را آگاه نموده که تنها اندکی از بندگانش شکر الله عزوجل را انجام می‌دهند.

الله تعالی می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ [بقره: ۱۷۲]

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید از پاکی‌هایی که روزی شما کرده‌ایم بخورید و الله را شکر کنید اگر تنها او را می‌پرستید)

و می‌فرماید:

وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلاً مَا تَشْكُرُونَ [اعراف: ۱۰]

(و قطعا شما را در زمین قدرت عمل دادیم و برای شما در آن ابزار معیشت نهادیم [اما] چه کم سپاسگزاری می‌کنید)

و می‌فرماید:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ [روم: ۴۶]

(و از نشانه‌های او این است که بادهای بشارت‌آور را می‌فرستد تا بخشی از رحمتش را به شما بچشاند و تا کشتی به فرمانش روان گردد و تا از فضل او [روزی] بجویید و امید که سپاسگزاری کنید)

و از جمله نعمت‌های دینی، این سخن الله متعال است که می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُؤُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُباً فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ [مائده: ۶]

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون به قصد نماز برخاستید پس صورت خود و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید و سرتان را

مسح کنید و پاهایتان را تا دو قوزک [بشویید] و اگر جنب بودید پس خود را پاک سازید [و غسل کنید] و اگر بیمار یا مسافر هستید یا یکی از شما از محل قضای حاجت آمده یا با زنان آمیزش کرده باشید آنگاه آب نیابید پس با خاک پاکی تیمم کنید و از آن بر صورتتان و دستانتان بکشید. الله نمی‌خواهد بر شما دشواری قرار دهد بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام کند، باشد که شکر گزارید)

و دیگر ادلهٔ پرشمار که ما در اینجا تنها برخی از این نعمت‌ها را ذکر کردیم اما در شمار آوردن آن ممکن نیست، همانطور که خداوند متعال می‌فرماید:

وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ [ابراهيم: ٣٤]

(و از هر چه از او خواستید به شما عطا کرد و اگر نعمت الله را شمار کنید نمی‌توانید آن را به شمار در آورید. قطعا انسان ستمپیشهٔ ناسپاس است)

سپس خداوند بر ما منت نهاده و تقصیر ما را در شکر این نعمت‌ها مورد مغفرت خود قرار داده و فرموده است:

وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ [نحل: ١٨]

(و اگر بخواهید نعمت الله را شماره کنید آن را نمی‌توانید در شمار آورید. بی‌شک الله آمرزندهٔ مهربان است).

مسلمان همیشه در حال درخواست از پروردگار متعال است که او را در راه شکرش یاری دهد؛ چرا که اگر توفیق الله و یاری او نباشد شکری نیز حاصل نخواهد شد، برای همین در سنت طلب یاری برای شکر الله متعال وارد شده است.

از معاذ بن جبل روایت است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ دست او را گرفت و فرمود: ای معاذ به الله قسم که من تو را دوست دارم، به الله سوگند که من تو را دوست دارم سپس فرمود: توصیه‌ات می‌کنم ای معاذ که در پی هر نماز بگویی: اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ ، وَشُكْرِكَ ، وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ (یعنی: خداوندا مرا برای ذکرت و شکرت و عبادت نیکویت یاری ده).

به روایت ابوداوود (١٥٢٢) و نسائی (١٣٠٣) و آلبانی در صحیح سنن ابی داوود آن را صحیح دانسته است.

و شکر نعمت سببی است برای بیشتر شدن نعمت‌ها چنانکه می‌فرماید:

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ [ابراهيم: ٧]

(و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعا شکر کنید [نعمت] شما را افزون خواهم کرد).

چهارم:

بنده چگونه شکر نعمت‌های بزرگ پروردگار را به جا بیاورد؟ شکر با محقق ساختن ارکان آن انجام می‌شود که سه مورد است:شکر قلب و شکر زبان و شکر اعضا.

ابن قیم ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

شکر به واسطهٔ قلب از طریق فروتنی و خاکساری و با زبان از طریق ثنا و اعتراف به نعمت و با جوارح به واسطهٔ طاعت و انقیاد حاصل می‌گردد. (مدارج السالکین: ۲/ ۲۴۶).

تفصیل آن چنین است:

۱ـ شکر قلب چنین است که قلب ارزش نعمتی را که خداوند بر بنده ارزانی داشته احساس کند و اعتراف کند که دهندهٔ این نعمت‌های والا تنها الله عزوجل است که شریکی ندارد. الله متعال می‌فرماید:

وَمَا بِكُم مِّن نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ [نحل: ۵۳]

(و شما هر نعمتی در اختیار دارید از سوی الله است).

این اعتراف از باب استحباب نیست بلکه واجب است و هر کس این نعمت‌ها را به دیگری نسبت دهد کافر می‌شود.

شیخ عبدالرحمن السعدی ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

بر خلق واجب است که نعمت‌ها را به زبان و با اعتراف به خداوند نسبت دهند و توحید اینگونه کامل می‌شود. اما کسی که نعمت‌های الله را با قلبش و زبانش انکار کند کافر است و هیچ چیزی از دین ندارد.

و کسی که با قلب خود اعتراف کند که نعمت‌ها همه از سوی خداوند است ولی گاه با زبانش آن را به خداوند نسبت دهد و گاه به خود و تلاش خود یا تلاش دیگری ـ چنانکه بر زبان بسیاری از مردم جاری است ـ بر چنین کسی واجب است که توبه کند و نعمت‌ها را جز به نعمت‌دهنده نسبت ندهد و برای این کار با نفس خود جهاد کند چرا که ایمان و توحید محقق نمی‌شود مگر با نسبت دادن نعمت‌ها به خداوند از روی گفتار و اعتراف.

زیرا شکر که سر ایمان است بر سه رکن استوار است: اعتراف قلبی به همهٔ نعمت‌های خداوند در حق خود و دیگران و بیان آن با زبان و ثنای خداوند برای آن و یاری جستن از نعمت‌ها برای طاعت نعمت دهنده و عبادتش. (القول السدید في مقاصد التوحید: ۱۴۰).

پروردگار متعال در بیان حال کسانی که نسبت دادن نعمت‌ها به الله را منکر می‌شوند می‌فرماید:

يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللّهِ ثُمَّ يُنكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ [نحل: ۸۳]

(نعمت الله را می‌شناسند اما باز منکر آن می‌شوند و بیشترشان کافرند).

ابن کثیر ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

یعنی: می‌دانند که الله به آنان عطا کرده و او بر آنان فضل داشته است اما با این حال انکارش می‌کنند و همراه او دیگری را عبادت می‌کنند و پیروزی و روزی و دیگر چیزها را به دیگری نسبت می‌دهند. (تفسیر ابن کثیر: ۴/ ۵۹۲).

۲ـ شکر زبان یعنی: پس از اعتقاد قلبی به زبان نیز اعتراف کند که منعم حقیقی الله تعالی است و زبان را به ثنای الله عزوجل مشغول دارد.

الله تعالی در سیاق بیان نعمت‌هایش بر بنده‌اش محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ می‌فرماید:

وَوَجَدَكَ عَائِلاً فَأَغْنَى [ضحی: ۸]

(و تو را تنگدست یافت و بی‌نیاز گردانید)

و در مقابل این نعمت، ایشان را امر می‌کند که:

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ [ضحی: ۱۱]

(و از نعمت پروردگار خویش [با دیگران] سخن گوی).

ابن کثیر ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

یعنی: همانگونه که تنگدست و فقیر بودی و خداوند بی‌نیازت کرد، نعمت الله بر خودت را بازگو کن. (تفسیر ابن کثیر: ۸/ ۴۲۷).

از انس بن مالک ـ رضی الله عنه ـ روایت است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: خداوند از بنده راضی می‌شود که غذا را بخورد و او را برایش حمد گوید و نوشیدنی را بنوشد و او را برایش حمد گوید (مسلم: ۲۷۳۴).

ابوالعباس قرطبی ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

حمد در اینجا به معنای شکر است و پیش‌تر بیان کردیم که حمد می‌تواند در جایگاه شکر قرار گیرد ولی شکر در جایگاه حمد قرار نمی‌گیرد و در این [حدیث] دلیل بر این است که شکر نعمت ـ اگر چه کم باشد ـ سبب به دست آمدن خشنودی

پروردگار است که این شریف‌ترین حالت برای اهل بهشت است و نقل سخن الله عزوجل به اهل بهشت خواهد آمد که گفتند: آیا به ما چیزی ندادی که به هیچیک از بندگانت عطا نکردی؟ پس می‌فرماید: آیا بهتر از آن به شما عطا نکنم؟ می‌گویند: آن چیست؟ مگر چره‌هایمان را سفید نساختی و به بهشت وارد نساختی و از آتش دور نگرداندی؟ می‌فرماید: خشنودی‌ام را بر شما قرار می‌دهم و پس از آن دیگر هرگز بر شما خشم نمی‌گیرم.

در واقع شکر سبب این بزرگداشت عظیم است زیرا در بر دارندۀ شناخت نعمت‌دهنده است و اینکه تنها او نعمت را عطا کرده و به نعمت‌گیرنده رسانده است که این از روی فضل و کرم و منت اوست و نشان دهندۀ این است که نعمت دهنده نیازمند و محتاج آن نعمت‌هاست و نمی‌تواند از آن بی‌نیاز گردد پس شکر نعمت در بر دارندۀ معرفت حق الله و فضل او و حق بنده و نیاز و فقر اوست در نتیجه الله تعالی پاداش این معرفت را آن گرامی‌داشت قرار داده است. (المفهم لما أشكل من تلخيص كتاب مسلم: ۷/ ۶۰ ـ ۶۱).

از این رو یکی از سلف می‌گوید: هرکس نعمت را کتمان کند نسبت به آن کفران ورزیده و آنکه آشکارش نماید و منتشرش سازد شکرش را به جای آورده است.

ابن قیم ـ رحمه الله ـ دربارۀ این سخن می‌گوید:

این سخن از این حدیث برگرفته شده که: الله هرگاه برای بنده‌ای نعمت ارزانی داشت دوست دارد اثر نعمتش بر او دیده شود (مدارج السالكين: ۲/ ۲۴۶).

از عمر بن عبدالعزیز ـ رحمه الله ـ نقل است که گفت: نعمت‌ها را یادآوری کنید زیرا به یاد آوردنش شکر است.

۳ـ اما شکر اعضا و جوارح به این صورت است که بدنش را در راه طاعت الله به کار گیرد و از آنچه خداوند نهی کرده از جمله گناهان دور بدارد.

الله تعالی می‌فرماید:

اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا [سبأ: ۱۳]

(ای خاندان داوود شکر انجام دهید)

مشخص است که وقتی این را خطاب به آنان فرمود منظور اقرار به نعمت نبود چرا که آنان نعمت را منکر نبودند بلکه آنان را امر نمود تا شکر نعمت با عمل و با طاعت نشان دهند و پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ نیز هنگامی که پاهایش از کثرت نماز شب ورم کرده بود فرمود: آیا بنده‌ای شاکر نباشم؟ (شرح صحيح بخاری: ۱۰/ ۱۸۳ ـ ۱۸۴).

ابوهارون می‌گوید: نزد ابوحازم رفتم و به او گفتم: خداوند رحمتت کند، شکر دو چشم چیست؟ گفت: اگر با آن خیری ببینی به یادش آوری و هرگاه شری ببینی بپوشانی. گفتم: پس شکر گوش‌ها چیست؟ گفت: اگر با آن خیری بشنوی حفظش کنی و هرگاه بدی بشنوی فراموشش کنی.

ابن رجب حنبلی ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

شکر بر دو درجه است: یکی واجب است به این معنا که واجبات را انجام دهی و از محرمات دوری کنی که این را ناگزیر باید انجام داد و برای شکر نعمت‌ها کافی است...

از همین روی یکی از سلف می‌گوید: شکر یعنی ترک گناهان.

یکی از آنان می‌گوید: شکر یعنی از هیچ نعمتی برای معصیت پروردگار یاری نگیری.

ابوحازم زاهد شکر همهٔ اعضای بدن را چنین می‌داند که از گناهان دست بکشی و آن را در راه طاعت به کار گیری سپس گفت: اما کسی که با زبانش شکر گوید و با همهٔ اعضا شکر را به جای نیاورد مانند کسی است که لباسی دارد و گوشه‌ای از آن را گرفته ولی نمی‌پوشد در نتیجه در سرما و گرما و برف و باران سودی به او نمی‌رساند..

درجهٔ دوم از شکر: شکر مستحب است و آن چنین است که بنده پس از ادای فرایض و دوری از محارم، طاعات نافله را انجام دهد که این درجهٔ سابقین مقربین است... (جامع العلوم والحکم: ۲۴۵ ـ ۲۴۶).

خلاصه آنکه:

برای آنکه در برابر نعمت‌های پروردگارت بنده‌ای شاکر باشی باید با قلبت به دهندهٔ این نعمت‌ها یعنی الله متعال معترف باشی و بزرگش بداری و نعمت‌ها را به او نسبت دهی و با زبان به آن اقرار کنی و هنگام بیدار شدن از خواب او را برای نعمت زندگی شکر گوشی و پس از غذا و نوشیدنی برای آن شکرش بگویی و همینطور دربارهٔ هر نعمتی که بر خود می‌بینی.

و او را با اعضای بدنت شکر گویی به این صورت که نگذاری بدن گناه یا منکری را مانند موسیقی و غیبت ببیند یا بشنود و با پاهایت به جاهای حرام نروی و دستانت را در راه منکر مانند نوشتن چیزی حرام در رابطه با زنان نامحرم یا نوشتن قراردادهای غیر شرعی یا کار حرام به کار نگیری.

از جملهٔ شکر نعمت با اعضا و جوارح مسخر ساختن آن در طاعت الله تعالی با قرائت قرآن و کتب علم و شنیدن محتوای مفید است و همینطور دربارهٔ دیگر جوارح در طاعات گوناگون.

بدان که شکر نعمت خود نعمتی است که نیازمند شکر است و اینگونه بنده در نعمت‌های پروردگارش زیر و روز می‌شود و او

را برای نعمت‌هایش شکر می‌گوید و حمدش را به جای می‌آورد که توفیقش داد تا از شکرگزاران باشد.

از الله تعالی خواهانیم که ما و شما را برای آنچه باعث خشنودی اوست توفیق دهد.

والله اعلم